

The Obligations of the Iraqi Government regarding Mined Areas of Iranian Territory during the Imposed War

(Type of Paper: Research Article)

Seyed Rasoul Ghorayshe¹, Sabber Niavarani^{2*}

Abstract

Although the armed conflict between the Iranian and Iraqi governments ended after the acceptance of Security Council Resolution 598 by Iran, for many people in Iran, especially in the western border regions of the country the war did not end. The tribulations of the peoples of these areas with the mines planted by Iraqis during the imposed war were devastating. Therefore, the legal obligation of the Iraqi government to declare mined areas in Iran and clear them is one of the main concerns of the Iranian government and the people of former war zone. Following the accession of the Iraqi government to the Second Protocol to the Convention on the Prohibition or Limitation of the Use of Certain Conventional Weapons Which Are Highly Seductive or Blind, and the Ottawa Convention, it is easier to compel the Iraqi government to clean up the minefields. But the initial step in this direction seems for the Iranian government to accede to these conventions notwithstanding Iraq's customary obligations.

Keywords

cleaning of minefields, the Imposed War, Iraq, map of minefields.

1. Department of Law, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran.

Email: rasoulghorayshe@yahoo.com

2. Department of Law, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran and Assistant Prof, Department of International Law, Science and Research branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran (Corresponding Author). Email: sabberniavarani@iran.ir

Received: December 9, 2018 - Accepted: October 20, 2019



This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

تعهدات دولت عراق در خصوص مناطق مین گذاری شده ایران در جنگ تحمیلی

(نوع مقاله: علمی - پژوهشی)

سید رسول قریشی^۱، صابر نیاورانی^{۲*}

چکیده

پذیرش قطعنامه ۵۹۸ از جانب ایران، هر چند پایان مخاصمه مسلحانه بین دولت‌های ایران و عراق بود، اما برای بسیاری از مردم ایران به‌ویژه در مناطق مرزی غرب کشور پایان جنگ و خونریزی نبود. مصیبت‌های دست و پنجه نرم کردن هر روز مردم این مناطق با مین‌های کاشته شده توسط عراق در طول جنگ تحمیلی، مصائبش کمتر از زمان جنگ نبود. از این رو الزام حقوقی دولت عراق به اعلام مناطق مین‌گذاری شده در طول جنگ با ایران و پاکسازی آنها از مهم‌ترین دغدغه‌های دولت و مردم ایران است. پس از الحاق دولت عراق به پروتکل دوم کنوانسیون منع یا محدودیت استفاده از سلاح‌های متعارف خاص که به شدت آسیب‌رسان فرض شده یا آثار کورکورانه دارند و کنوانسیون اتاوا، راه برای الزام دولت عراق به پاکسازی میادین مین ایران بسیار بیشتر از پیش مهیا شده است، اما به نظر می‌رسد گام ابتدایی در این زمینه، با وجود تعهدات عرفی، الحاق دولت ایران به این کنوانسیون‌ها باشد.

کلیدواژگان

پاکسازی میادین مین، جنگ تحمیلی، عراق، نقشه میادین مین.

۱. گروه حقوق، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران. Email: rasoulghorayshe@yahoo.com

۲. گروه حقوق، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران و استادیار گروه حقوق عمومی و بین‌الملل، دانشکده

حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

Email: sabberniavarani@iran.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۹/۱۸ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۷/۲۸

مقدمه

مقابله حکومت‌ها سبب کشته شدن جمعیت، آوارگی آنها، خرابی زیرساخت‌ها و مسائلی از این دست می‌شود. پس از اتمام جنگ، آتش‌بس یا صلح، بازماندگان و آوارگانی که به موطن خود بازمی‌گردند، تا سال‌ها با مشکلات ناشی از جنگ دست به گریبان‌اند و بعضاً این مشکلات تهدیدکننده حیات آنها نیز است (گلی، ۱۳۸۹: ۲). در این میان آثار قابل انفجاری نیز از جنگ برجای می‌ماند که تا مدت‌ها پس از اتمام جنگ و اتمام فعالیت‌های بازسازی، جان ساکنان را تهدید می‌کند. مهمات عمل‌نکرده، ادوات جنگی منهدم‌نشده و مین‌ها، بخشی از این بقایا هستند که عامل اساسی در تهدید جان ساکنان به‌شمار می‌آیند. جنگ تحمیلی عراق علیه کشورمان نیز عاری از خشونت افراطی نبود. توسل به زور عراق علیه کشورمان از ۱۳ فروردین ۱۳۵۹ به صورت پراکنده بود (هیوم، ۱۳۷۶: ۵۴). اما در واپسین ساعات صبح ۳۱ شهریور ۱۳۵۹، به صورت گسترده و برنامه‌ریزی‌شده آغاز شد (پارسادوست، ۱۳۷۱: ۱۷). از این رو آغاز تهاجم از منظر مجامع بین‌المللی، همان ۳۱ شهریور اعلام شد (زمانی، ۱۳۷۶: ۴۳). با خاتمه جنگ پس از قبول قطعنامه ۵۹۸ صادره از شورای امنیت، آنچه برای ایران از همه مهم‌تر بود، بحث مسئولیت بین‌المللی دولت عراق و جنایات جنگی ارتكابی از طرف آنان بود، چراکه عراق در طول جنگ، مرتکب جنایات جنگی متعددی از جمله قتل، شکنجه، رفتار غیرانسانی با افراد مورد حمایت کنوانسیون‌های ژنو، تخریب، مصادره گسترده اموال و نیز مواردی که نقض مقررات و عرف‌های قابل اعمال در درگیری‌های مسلحانه بین‌المللی را در برمی‌گیرد، شده بود (سیاه‌رستمی، ۱۳۸۳: ۲۱۲). ایران پس از هشت سال جنگ ناخواسته با عراق، بالغ بر ۱۲۸۰۰ کیلومتر مربع از مناطق تحت پوشش جنگ را در شرایط کنونی درگیر مشکلاتی دارد که مهم‌ترین آنها آلودگی به مین و مهمات عمل‌نکرده است که هر ساله به کشته و مجروح شدن افراد زیادی منجر می‌شود (Nafissi, 2005). براساس آخرین آمار سازمان ملل متحد^۱، حدود ۱۶۰ میلیون مین عمل‌نکرده در ۷۰ کشور جهان مدفون است و سالانه ۲۴ هزار غیرنظامی توسط مین‌های زمینی، کشته یا مجروح می‌شوند. در واقع در هر ۲۲ دقیقه جان یک نفر و در هر روز ۳۲ نفر و در هر ماه ۲ هزار قربانی را از سراسر جهان می‌گیرد (گلی، ۱۳۸۹: ۱). طبق اعلام مرکز اطلاعات ملل متحد در ایران، سالانه بیش از ۲۰ تا ۲۵ هزار نفر کشته و مجروح جدید به واسطه بقایای این‌گونه مواد منفجره هستند که بیش از ۸۰ درصد از این قربانیان را غیرنظامیان تشکیل می‌دهند. در این میان

1. United Nations, Mine action and effective coordination: the United Nations policy. Sectoral policy: information management for mine action, Report of the Secretary-General, Addendum 2, UN Doc. A/56/448/Add.2 of 17 October 2001.

سهم کودکان بی‌گناه نیز ۳ تا ۴ هزار نفر در سال است. ایران با دارا بودن حدود ۱۶ میلیون مین خنثی‌نشده، بعد از مصر دومین کشور آلوده به مین دنیاست. براساس آمارهای جمع‌آوری شده، مین‌های باقی‌مانده از زمان جنگ نزدیک به ۴ میلیون و ۲۰۰ هزار هکتار از اراضی ایران را آلوده کرده است.^۱ آلودگی به مین و مواد منفجره در مرزهای غربی و جنوب غربی بر اثر جنگ تحمیلی سبب شد ایران به یکی از قربانیان بزرگ مین در جهان تبدیل شود. به گفته هم‌هانگ‌کننده مقیم سازمان ملل متحد در تهران، تقریباً روزی دو نفر و سالانه حدود ۸۰۰ نفر در مناطق آلوده به مین در پنج استان مرزی ایران زخمی یا جان خود را از دست می‌دهند. استان‌های ایلام با مساحت یک میلیون و ۷۰۰ هزار هکتار، خوزستان با مساحت یک میلیون و ۳۸۰ هزار هکتار، کرمانشاه با مساحت ۶۹۱ هزار هکتار، آذربایجان غربی با مساحت ۵۹ هزار هکتار و کردستان با مساحتی به وسعت یک هزار و ۴۸۰ هکتار، بنا به تحقیق انجمن حمایت از مصدومان ایران، به ترتیب آلوده‌ترین نقاط به حساب می‌آیند. تعدادی از این مین‌ها در اوایل جنگ توسط نیروهای عراقی کار گذاشته شده و با مرور زمان به دلیل عوامل جوی حساس شده و خطرناک‌تر از روز اول عمل می‌کنند و پاکسازی آنها بسیار سخت‌تر است.^۲ حدود ۱۵ سال پس از پایان جنگ، مسئولیت پاکسازی میادین مین از سوی وزارت کشور به وزارت دفاع سپرده شد و این وزارتخانه با بهره‌گیری از تجهیزات مین‌زدایی مانند مین‌کوب تفتان مشغول پاکسازی است، در کنار این وزارتخانه برخی سازمان‌های غیردولتی همچون کانون مشارکت برای پاکسازی مین، انجمن حمایت از مصدومان مین ایران و... به‌طور موازی مشغول فعالیت‌اند. حال مسئولیت حقوقی دولت عراق و سایر دولت‌های صاحب فناوری چیست؟ دولت عراق به‌عنوان دولتی که این مین‌ها را در طول جنگ کار گذاشته و سبب و بانی اصلی خسارات ناشی از آن است، در مورخ ۱۵ آگوست ۲۰۰۷ کنوانسیون منع مین ضد نفر یا کنوانسیون اتاوا، در مورخ ۲۴ سپتامبر ۲۰۱۴ کنوانسیون سلاح‌های متعارف خاص و پروتکل اصلاحی دوم آن را در خصوص ممنوعیت و محدودیت به‌کارگیری مین‌ها، تله‌های انفجاری و سایر ابزارها پذیرفته و به آنها ملحق شده است.^۳ پذیرش این کنوانسیون‌ها و معاهدات بین‌المللی، الزامات و وظایف حقوقی

۱. برگرفته از تارنمای تاریخ ایرانی با عنوان ۲۰ میلیون مین در خاک ایران؛ برجای‌مانده از دوره جنگ تحمیلی به آدرس: <http://tarikhirani.ir/fa/news/4/bodyView/1540/0/20> بارگذاری شده در: ۱۳۹۰/۰۸/۳۰؛ مشاهده شده در: ۱۳۹۶/۰۲/۱۰.

۲. برگرفته از تارنمای تبیان با عنوان: ایران در محاصره ۱۶ میلیون مین به آدرس: <https://article.tebyan.net/73694> بارگذاری شده در: ۱۳۸۷/۰۶/۱۴؛ مشاهده شده در: ۱۳۹۶/۰۲/۱۵.

۳. تاریخ الحاق دولت عراق به این معاهدات پس از اتمام جنگ تحمیلی می‌باشد، ممکن است این سؤال به ذهن

مشخصی را بر عهده دول عضو از جمله دولت عراق قرار خواهد داد. از این رو این نوشتار با درک اهمیت مسئله مین برای کشورمان با توجه به برآوردهای اشاره شده و با کشتن و معلول کردن حدود ۷۰ نفر در ماه و همچنین توجه ویژه جهانی به آثار مخرب این اسلحه بر امنیت انسانی، توسعه اقتصادی و محیط زیست و سایر جنبه‌های اجتماعی آن، می‌کوشد به این سؤال اساسی پاسخ دهد که آیا الحاق دولت عراق به کنوانسیون‌های منع به‌کارگیری و استفاده از مین، راه را برای الزام آن به پاکسازی مناطق مین‌گذاری شده ایران در طول جنگ هموارتر خواهد ساخت یا خیر؟ به منظور پاسخ‌دهی به این پرسش، مقاله در دو بخش به رشته تحریر درآمده است که در بخش اول، براساس حقوق بشردوستانه، به‌کارگیری مین و نقض حقوق بین‌الملل عرفی توسط عراق بررسی خواهد شد و در بخش دوم به صورت موجز به الزامات و تعهدات دولت عراق در برابر دولت ایران براساس تعهدات معاهداتی خواهیم پرداخت.

نقض حقوق بشردوستانه توسط عراق در به‌کارگیری مین در طول جنگ تحمیلی

حقوق بشردوستانه بر محدودیت سلاح به‌عنوان وسیله جنگی تکیه کرده، به‌نحوی که برخی از تسلیحات و روش‌های جنگی را ممنوع اعلام و تأکید می‌کند حملات باید علیه اهداف نظامی هدایت شوند (گرین‌وود، ۱۳۸۷: ۳۲). ملزومات جنگی باید طبق نیازهای بشریت، به محدودیت تن در دهند، چراکه بشر نه تنها غایت حقوق است، بلکه منبع آن

متبادر شود آیا مفاد این معاهدات عطف بماسبق خواهند شد یا خیر؟ در این زمینه ماده ۲۸ عهدنامه وین در مورد حقوق معاهدات (۱۹۶۹) به‌صراحت بیان می‌دارد که اصل بر عطف بماسبق نشدن معاهدات است، با این توضیح که این اصل دارای خصوصیت مطلق نمی‌باشد زیرا هیچ امری کشورها یا سایر تابعان حقوق بین‌الملل را منع نمی‌کند معاهده‌ای منعقد نمایند که انحرافی از اصل به طریق صریح یا ضمنی باشد (ضیائی‌بیگدلی، ۱۳۸۳: ۱۱۸). با مذاقه در مواد مختلف کنوانسیون مشخص می‌شود که به‌دلیل خصوصیت بشردوستانه کنوانسیون اصل را بر عطف بماسبق شدن قرار داده‌اند. از جمله بند ۲ ماده ۱، ماده ۴ و ماده ۵: دول عضو تعهد می‌نمایند تمام مین‌های ضدنفر را نابود سازند؛ ماده ۶: هریک از دولت‌های عضو در راستای همکاری و کمک‌های بین‌المللی به پاکسازی مین و فعالیت‌های مربوطه و همچنین جهت نابودسازی مین‌های ذخیره‌شده کمک خواهند نمود؛ ماده ۷: هریک از دولت‌های عضو در راستای شفاف‌سازی متعهد گردیده‌اند که مجموع تمامی مین‌های ضدنفر ذخیره‌شده تحت مالکیت یا اختیار خود را و همچنین محل تمامی مناطق مین‌گذاری‌شده را با جزئی‌ترین اطلاعات به دبیرکل سازمان ملل متحد گزارش کنند که همگی این الزامات به‌صورت مطلق و بدون اشاره به زمان پس از لازم‌الاجرا شدن کنوانسیون است و قطعاً عطف بماسبق شدن کنوانسیون را اثبات می‌کنند.

نیز تلقی می‌شود (Brownlie, 1998: 28). در نظم حقوقی بین‌المللی کنونی، حقوق بشردوستانه با یک سلسله قواعد کلی، حمایت از قربانیان جنگی و محدود کردن عملیات نظامی، تنها دکتترین حقوقی قابل قبول است که قواعد راجع به سازماندهی نیروهای شرکت‌کننده در جنگ و همچنین روش‌ها و ابزارهای جنگی را تنظیم می‌کند (Roberts, 2000: 673). این رویکرد متضمن و مبتنی بر اصول و قواعدی است که در بندهای ذیل به آنها اشاره می‌شود و استفاده از مین توسط عراق در طول جنگ تحمیلی سبب نقض این اصول و قواعد شده است.

۱. اصل تفکیک بین اهداف نظامی و غیرنظامی

اصل تفکیک بین اهداف نظامی و غیرنظامی، اصول انسان‌دوستانه را به قواعد حاکم بر رفتار متخاصمان پیوند می‌زند (Green, 2008: 20-23). یکی از دلایل الزام‌آور برای رعایت قواعد حقوق بشردوستانه، ضرورت حمایت از جمعیت غیرنظامی، در منطقه جنگی و مناطق مسکونی است. از این رو تفکیک نادرست بین نظامیان و غیرنظامیان مانع از اعمال قواعد رفتاری حقوق مخاصمات مسلحانه بر کسانی است که به نوعی در مخاصمه درگیر شده‌اند. برای تحقق این امر تسلیحاتی که طرفین به آن متوسل می‌شوند، باید به شیوه‌ای به کار رود که متضمن تفکیک میان رزمندگان و غیرنظامیان باشند (شهبازی، ۱۳۸۶: ۶-۷). اصل تفکیک در حقوق بین‌الملل، در مخاصمات داخلی و بین‌المللی از غنای بالایی برخوردار است (Murray, 2011: 891-905)؛ معاهدات بشردوستانه درصد تبیین مقرراتی است که از افراد غیرنظامی و غیردرگیر در عملیات مسلحانه حمایت کنند. از سوی دیگر، محدودیت‌هایی برای اقدامات نیروهای نظامی در مناطق مسکونی و نسبت به سکنه غیرنظامی اعمال کنند.

۲. اصل ضرورت نظامی

اساس موازین حقوق بشردوستانه بر نامحدود بودن حق به کارگیری ابزارها و فنون جنگی استوار است که به‌عنوان قاعده آمره و عام‌الشمول حقوق تلقی می‌شود (شریفی و ساعد، ۱۳۷۲: ۱۱۷). اصل ضرورت نظامی، زمانی پذیرفته است که از زاویه حقوق بشردوستانه به آن نگریسته شود (UK Ministry of Defence, 2004: 24). اشکال ضرورت نظامی، بخشی جدایی‌ناپذیر از هنجارهای حقوق بین‌الملل بشردوستانه است، از این رو انسانی کردن درگیری‌های مسلحانه، غایت و رسالت حقوق را تشکیل می‌دهد (Kretzmer, 2005: 100). اصل ضرورت نظامی، چالش میان ضرورت و الزامات حقوق بشردوستانه است (Boisson &

284: Sands 1999) و از آنجا که تا حدی مبهم است، می‌تواند هم‌همة دستاوردهای حقوق بشردوستانه را به مخاطره اندازد، به‌نظر می‌رسد سازش میان قواعد بشردوستانه و ضرورت نظامی بسیار مشکل باشد. بنابراین اسناد حقوق بین‌الملل بشردوستانه برای استناد به عامل ضرورت نظامی جنبه استثنایی قائل شده و از ضرورت نظامی تعریف محدودتری با عنوان «ضرورت مبرم نظامی» ارائه می‌کند. اصل ضرورت، عدول از حقوق بشردوستانه را توجیه نمی‌کند و برعکس به‌عنوان عامل بازدارنده دیگری عمل می‌کند.

۳. اصل منع ایجاد درد و رنج بیهوده و غیرضروری

طبق این اصل، نمی‌توان از سلاح‌هایی استفاده کرد که سبب رنج و درد بیش از حد می‌شوند. از این‌رو، آزادی دولت‌ها در انتخاب وسایل و شیوه‌های جنگی نامحدود نیست (زمانی و پیری، ۱۳۹۱: ۵۱). اعلامیه ۱۸۶۸ سن پترزبورگ، استفاده از سلاح‌هایی را که به‌طور بیهوده رنج و درد از کارافتادگان را تشدید نماید و یا مرگ آنان را اجتناب‌ناپذیر سازد، محکوم می‌نماید. ماده ۱۳ اعلامیه بروکسل ۱۸۷۴، ماده ۲۳ مقررات منضم به کنوانسیون چهارم ۱۹۰۷ لاهه نیز کاربرد سلاح‌ها، پرتاب‌شونده‌ها، یا موادی را که برای ایجاد رنج و درد غیرلازم طراحی شده‌اند، ممنوع می‌سازد. در راستای این ممنوعیت، مقررات موجود، حق متخاصمان در انتخاب وسایل مجروح‌سازی دشمن را نامحدود نمی‌داند. متن جدیدی از این قواعد در ماده ۳۵ بند ۲ پروتکل اول ۱۹۷۷ ژنو وجود دارد که مقرر می‌دارد: حق طرف‌های مخاصمه در انتخاب شیوه‌ها و وسایل جنگی در هیچ مخاصمه مسلحانه‌ای نامحدود نیست؛ به‌کارگیری سلاح‌ها، پرتاب‌شونده‌ها و مواد و شیوه‌های جنگی از نوعی که به وارد آوردن صدمات بیش از حد و درد غیرضروری منجر شود، ممنوع است.

۴. اصل تناسب

اصل تناسب از اصول مهم حقوق بین‌الملل بشردوستانه است. اصلی که ماهیت عرفی دارد و مبین این است که آسیب‌های وارده به غیرنظامیان که از خسارت ناشی از عملیات نظامی حاصل می‌شود، باید متناسب با مزیت قطعی و مورد انتظاری باشد که از انجام عملیات نظامی انتظار می‌رود. شروع به حمله‌ای که گمان می‌رود سبب تلفات غیرنظامیان، آسیب به غیرنظامیان، آسیب به اموال غیرنظامیان یا ترکیبی از این موارد شود و این خسارات زیاده بر مزیت عینی و مستقیم نظامی مورد انتظار باشد، ممنوع است. بعد دیگر این اصل، ممنوعیت استفاده از آن ابزار و روش‌های جنگی است که براساس ماهیتشان سبب ورود آسیب بیش از اندازه می‌شوند (دوسوالدبک و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۲۱). از این‌رو اصل تناسب

ره آورد دو اصل ضرورت نظامی و انسانی بودن است و مؤید آن است که زیان‌های حاصل از عملیات نظامی باید با فواید نظامی متناسب است و خسارت مذکور از فواید نظامی حاصل از عملیات مزبور تجاوز نکند (Sachadev, 1999: 437). دیوان دائمی بین‌المللی دادگستری در قضیهٔ ماورماتیس و دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیهٔ تنگه کورفو این اصول را اصول اولیهٔ حقوق بین‌الملل و بشریت (ICJ Rep, 1949: para. 10 and PCIJ Rep, 1924:) (para. 16) و در قضیهٔ نیکاراگوئه، اصول کلی بنیادین حقوق بشردوستانه نام‌گذاری کرده است (ICJ Rep, 1986: para. 103).

الزامات دولت عراق در خصوص مناطق مین‌گذاری‌شده در ایران بر طبق تعهدات معاهداتی

براساس گزارش انجمن حمایت از مصدومان ایران، تعداد شهدای مین‌های کاشته‌شده توسط عراق در طول جنگ تحمیلی در استان‌های ایلام ۷/۲۵ درصد و مجروحان ۶/۲۰ درصد، خوزستان ۱/۲۱ درصد شهید و ۸/۱۸ درصد مجروح، کرمانشاه ۸/۳۰ درصد شهید و ۹/۳۱ درصد مجروح، آذربایجان غربی ۷ درصد شهید و ۲/۱۴ درصد مجروح و کردستان ۴/۱۵ درصد شهید و ۵/۱۴ درصد مجروح می‌رسد.^۱ وجود این آمار تکان‌دهنده باید مسئولان ایرانی را جهت الزام دولت عراق به حل مشکلات مربوط به مین‌های کاشته‌شده در طول جنگ تحمیلی به تکاپو اندازد، در همین زمینه دولت عراق پروتکل دوم از معاهدهٔ ممنوعیت استفاده از سلاح‌های خاص را که ممکن است سبب صدمات جبران‌ناپذیر شود یا دارای آثار غیرقابل تبعیض باشد، با عنوان «ممنوعیت و محدودیت به‌کارگیری مین‌ها، تله‌های انفجاری و سایر ابزارها» و کنوانسیون اتاوا در خصوص منع تولید، استفاده، ذخیره و انتقال مین‌های ضدنفر و نابودی آنها را قبول کرده و به آنها ملحق شده است، الحاق و پذیرش این معاهدات بین‌المللی تعهدات و الزاماتی را برای دول عضو از جمله دولت عراق در پی خواهد داشت که در ذیل و در بندهای جداگانه بدان‌ها خواهیم پرداخت.

۱. الزام دولت عراق به عدم استفاده و نقل و انتقال مین

پروتکل دوم اصلاحی اگرچه نسبت به پروتکل اولیه پیشرفت محسوسی داشت، در خصوص ممنوعیت استفاده از مین، ممنوعیت مطلق را اعمال نکرده و استفاده از برخی مین‌های

۱. برگرفته از تارنمای تبیان با عنوان: ایران در محاصرهٔ ۱۶ میلیون مین به آدرس: <https://article.tebyan.net/73694> بارگذاری‌شده در: ۱۳۸۷/۰۶/۱۴؛ مشاهده‌شده در: ۱۳۹۶/۰۲/۱۵.

خاص را اجازه داده است. این پروتکل در مواد ۴ تا ۷ خود، چند نوع سلاح را مدنظر دارد: مین‌های غیرپرتاب‌شونده، مین‌های پرتاب‌شونده، تله‌های انفجاری و دیگر ابزارها. ماده ۴ بیان می‌دارد: استفاده از هرگونه مین ضدنفر غیرقابل شناسایی ممنوع است. پروتکل اولیه چنین محدودیتی نداشت، لذا هیچ مانعی در به‌کارگیری مین‌های پلاستیکی که با تجهیزات مین‌یاب قابل شناسایی نبودند و به میزانی زیاد همراه با درجات فراوانی از خطر، تولید می‌شدند و برای پاکسازی‌کننده، غیرنظامیان و نیروهای حافظ صلح خطرناک بودند، وجود نداشت (Matheson, 1997: para. 158-167). براساس بند ۲ ضمیمه فنی، مقرر شده است مین‌های ضدنفر لزوماً باید مقدار ۸ گرم یا بیشتر آهن داشته باشند تا بتوان آنها را با دستگاه‌های مین‌یاب شناسایی کرد. این قسمت از ضمیمه فنی، مین‌های تولیدشده بعد از اول ژانویه ۱۹۹۷ را مشمول این استاندارد می‌داند و برای مین‌های تولیدی قبل از آن، یک دوره نه‌ساله برای جایگزین کردن در نظر می‌گیرد. در خصوص مین‌های ضدنفر غیرپرتاب‌شونده نیز پروتکل اعلام می‌دارد: به‌کارگیری چنین مین‌هایی ممنوع است مگر اینکه براساس استانداردهای ضمیمه فنی، با ابزارهای خودانهدامی و خودازکاراندازی تجهیز شده باشند. در صورت فقدان چنین سازوکارهایی، مین‌ها باید در منطقه‌ای علامت‌گذاری شده، کار گذاشته شوند که از سوی نیروهای نظامی کنترل، با حصارکشی یا سایر وسایل و روش‌ها حفاظت شوند. به‌علاوه این‌گونه مین‌ها باید قبل از ترک منطقه، پاکسازی شوند، مگر، منطقه به دولت دیگری واگذار شود که مسئولیت رعایت مقررات این ماده و پاکسازی بعدی آنها را تقبل کند. در خصوص مین‌های پرتاب‌شونده از دور نیز مطابق ماده ۶ پروتکل، می‌بایست با در نظر گرفتن دو معیار بکار گرفته شوند: نخست؛ موقعیت مین‌های پرتاب‌شده براساس مختصات و نقاط مرجع، علامت‌گذاری شوند؛ دوم؛ مین‌ها بایستی از سازوکار خودانهدامی و خود از کاراندازی برخوردار باشند. در مورد تله‌های انفجاری نیز آمده؛ به‌کارگیری چنین ابزارهایی در مناطقی که ممکن است جمعیت غیرنظامی در آنها باشد، منوط به نزدیک بودن آنها به اهداف و محل‌های درگیری نظامی است، البته با منظور داشتن اقدامات احتیاطی برای حمایت از غیرنظامیان (بند ۳ ماده ۷ پروتکل). ماده ۳ پروتکل اصلاحی، ضمن مسئول دانستن اعضا در قبال به‌کارگیری چنین جنگ‌افزارهایی و بیان تعهد آنها در پاکسازی، انتقال، انهدام، یا حفظ آنها مطابق استانداردهای موردنظر (بند ۲)، استفاده از نوعی از این جنگ‌افزارهایی را که اساساً به‌منظور ایجاد جراحات مفرط ساخته شده‌اند، ممنوع می‌شمارد (بند ۳)، لزوم مطابقت این تسلیحات با استانداردهای موردنظر را ضمیمه فنی بیان می‌کند (بند ۴)، و استفاده از چنین ابزارهایی را که ممکن است متصل به سازوکاری باشند که هنگام پاکسازی و خنثی کردن در اثر تماس مغناطیسی منفجر شوند، ممنوع می‌کند (بند ۵). اتصال هرگونه دستگاه

ضددستکاری که ممکن است پاکسازی این تسلیحات را با خطر مواجه سازد، غیرمجاز می‌شمارد (بند ۶). هدف‌گیری این سلاح‌ها را در همه شرایط علیه اهداف و افراد غیرنظامی به صورت فردی یا جمعی ممنوع می‌داند (بند ۷) استفاده بدون تفکیک این سلاح‌ها را غیرمجاز اعلام می‌کند (بند ۸) و هنگام به کارگیری آنها، همه اقدامات و احتیاط‌های عملی و ممکن برای حمایت از غیرنظامیان (بند ۱۰) و اخطارهای قبلی مؤثر را لازم می‌شمارد (بند ۱۱)، اما پروتکل دوم اصلاحی نیز نتوانست نگرانی‌های جامعه جهانی را از بین ببرد، چراکه مین را کاملاً منع نکرده بود، ممنوعیت استفاده از مین محور و هدف اصلی موفقیت معاهده اتاوا بود و بدون ممنوعیت کامل استفاده از آن، سایر ممنوعیت‌ها به نتیجه مثبت نمی‌رسید (Cahill, 1995: 550). با وجود مخالفت کشورهای مختلف با ممنوعیت مطلق استفاده از مین‌های ضدنفر و ارائه پیشنهادهایی مختلف، ممنوعیت کامل و مطلق در بند «الف» ماده ۱ آورده شد و تمامی پیشنهادها رد شدند. در خصوص ممنوعیت نقل و انتقال مین، پروتکل دوم اصلاحی در ماده ۸ اقدام به وضع مقرراتی در جهت ممنوعیت انتقال مین‌ها کرد: بند ۱ ماده ۸ انتقال مین‌هایی را که استفاده از آنها در این پروتکل ممنوع شده است، ممنوع می‌داند. بند ۲ انتقال مین‌های مجاز و ممنوع، به دریافت‌کننده‌های غیردولتی را ممنوع کرده و در بند ۳ انتقال هر نوع مین به دولت‌هایی که الزامی به این پروتکل ندارند، ممنوع شده است، از طرفی هر دولتی باید تضمین کند هرگونه انتقالی براساس این ماده، در پیروی از مقررات پروتکل و قواعد حقوق بشردوستانه بین‌المللی صورت پذیرد (بند ۴ ماده ۸). این‌گونه مقررات دول ثالث را تحت تأثیر قرار می‌دهد. دولت‌های عضو در قراردادهای دوجانبه خود با این دولت‌ها، باید چنین مقرراتی را رعایت کنند. در خصوص حمل و نقل، در بند ۴ ماده ۲ کنوانسیون اتاوا آمده است هرگونه نقل مین‌های ضدنفر به یا از سرزمین ملی و انتقال مالکیت یا کنترل بر مین‌ها ممنوع است. این تعریف از انتقال همان معنای انتقال در پروتکل دوم اصلاحی است. بر انتقال مین‌های ضدنفر استثنائاتی وارده آمده که در ماده ۳ کنوانسیون به آن اشاره شده است. انتقال مین‌ها به منظور انهدام که باید یک سیستم نظارتی قوی بر انتقال حاکم باشد؛ انتقال به منظور توسعه و آموزش خنثی‌سازی و پاکسازی آنها، البته به منظور جلوگیری از استفاده دولت‌ها از این بند برای ذخیره مین‌ها مقرر شد، تعداد این مین‌ها از حداقل مقداری که برای مقاصد بالا لازم است، نباید فراتر رود و ثبت حداقل تعداد این مین‌ها باید در حد صد هزار یا کمتر باشد و باید طبق ماده ۷ دولت‌های عضو تعداد مین‌هایی را که جهت آموزش نگهداری می‌کند، به صورت سالیانه گزارش دهند.

۲. الزام دولت عراق به کمک به مأموران و قربانیان مین

یکی از تمهیدات پروتکل دوم اصلاحی، تعهد اعضا در حمایت از هیأت‌ها و مأمورانی است که به منظور انجام مأموریت به مناطق آلوده به مین اعزام می‌شوند، چراکه احتمال دارد آنها براساس تصمیم ارکان سازمان ملل متحد، سازمان‌های منطقه‌ای یا براساس توافق‌های دو یا چندجانبه و در چارچوب هیأت‌های بشردوستانه و به منظور پاسداری از صلح، حقیقت‌یابی، کمک‌رسانی و پاکسازی مین‌ها به منطقه درگیری اعزام شوند، اعضا موظف‌اند در حمایت از آنان اقداماتی شامل پاکسازی مین و بی‌خطر ساختن سایر سلاح‌ها تا در اختیار گذاشتن اطلاعات مربوط به میداین مین، موقعیت کار گذاشتن سلاح‌ها و نشان دادن راه‌های امن و... را انجام دهند. در مورد مأموریت‌هایی که براساس تصمیم شورای امنیت و به منظور پاسداری از صلح، نظارت و مراقبت صورت می‌پذیرد، تعهد طرفین در حمایت از چنین نیروهایی اجباری است و در سایر موارد، انجام مأموریت‌ها باید با توافق دولت موردنظر انجام پذیرد تا تعهد به حمایت فعلیت پذیرد (بند ۱(الف) ماده ۱۲) در مقابل، این‌گونه نیروها و هیأت‌ها نیز موظف‌اند تمامی اطلاعاتی را که براساس این ماده دریافت می‌دارند، محرمانه نگه‌دارند؛ قوانین دولت‌های میزبان را رعایت کنند و از اقدامی مغایر با بی‌طرفی و ماهیت بین‌المللی چنین وظایفی خودداری ورزند. اعضای چنین هیأت‌ها و نیروهایی به منظور انجام وظایف خود از مزایا و مصونیت‌های لازم برخوردار خواهند بود (بند ۷ ماده ۱۲). در همین زمینه بند ۳ ماده ۶ کنوانسیون اتاوا نیز تعهداتی در کمک به قربانیان مین‌های ضدنفر و سازگاری مجدد اقتصادی و اجتماعی آنها و مساعدت و مشارکت سایر کشورها در انجام آن را آورده است. این بند بیانگر اهمیت ویژه سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی است، چراکه هرچند بسیاری از کشورها خود به کمک به قربانیان تمایل نشان داده و حمایت خود را از آوردن قید کمک به قربانیان در کنوانسیون اعلام کرده‌اند، ولی سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی از جمله کمیته بین‌المللی صلیب سرخ با اعلام اینکه کمک‌رسانی به قربانیان مین فراتر از مراقبت‌های جراحی و پزشکی و مالی است و کمک‌های بین‌المللی برای احیای اقتصادی و اجتماعی بازماندگان ناشی از انفجار مین ضروری است، بر درج عبارت «احیای مجدد توانایی اقتصادی و اجتماعی» در بند ۳ ماده ۶ تأکید کردند که با فشارهای اعمال شده توسط آنان، دولت‌های عضو به قبول آن تن دادند. همچنین این ماده وظیفه کمک به قربانیان را علاوه بر دولت‌ها بر عهده سازمان ملل متحد، سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی و دولتی و سازمان‌های دولتی و غیردولتی داخل کشورها قرار داده است.

۳. الزام دولت عراق به ثبت اطلاعات مربوط به مین ها و شفاف سازی

هنگام بحث در خصوص اصلاح پروتکل دوم در زمینه ثبت اطلاعات و شفاف سازی، کارشناسان نظامی پیشنهاد دادند موقعیت مین های مجهز به سیستم خودانهدامی و خودخنی سازی کار گذاشته شده نیز علاوه بر سایر موارد باید ثبت شود (ICRC Rep, 1997: para. 40). بنابراین ماده ۹ پروتکل تعهداتی را بر اعضا تحمیل کرد: ثبت و ضبط موقعیت های استفاده از مین ها، تله انفجاری و سایر ابزارها باید مطابق با ضمیمه فنی باشد، از این رو در مورد مین های غیرپرتابی، تله انفجاری و سایر ابزارها، موقعیت محل به کارگیری آنها باید با تعیین حداقل دو نقطه مختصات محل موردنظر و تخمین ابعاد آن منطقه و تهیه نقشه ها و دیاگرام های مربوط به چنین مناطقی که نشان دهنده محیط و وسعت آنهاست، صورت پذیرد. به منظور ردیابی و پاکسازی این جنگ افزارها، نقشه ها و دیاگرام ها باید شامل اطلاعاتی از نوع، تعداد، شیوه کارگذاری، نوع فیوز و مدت آن، تاریخ و مدت زمان کار گذاشتن آنها باشد. در مورد مین های پرتاب شونده، موقعیت و محل تخمین آنها باید با مختصات نقاط مرجع تعیین شود و تعداد و انواع مین های پرتاب شده، تاریخ و مدت کارکرد آنها و مدت زمان خودانهدام شونده گی آنها نیز ثبت شود. نسخه های دیگری از ثبت چنین اطلاعاتی در اختیار سطوحی از فرماندهان گذاشته می شود تا ایمنی آنها تضمین شود. تمامی مین هایی که پس از لازم الاجرا شدن پروتکل تولید می شوند، با زبان انگلیسی یا زبان های ملی از طریق این اطلاعات علامت گذاری می شوند، و الا کاربرد آنها ممنوع است: نام کشور اصلی، سال و ماه تولید، شماره سریال یا شماره قطعه، چنین اطلاعات ثبت شده ای از سوی طرفین مخاصمه نگهداری می شود؛ اطلاعاتی در مورد مناطقی که چنین ابزارهایی در آنها کار گذاشته شده است، اما دیگر در کنترل یکی از طرفین مناقشه نیست، می بایست در صورت رفتار متقابل طرف دیگر و تا آنجا که منافع امنیتی آنها اجازه می دهد، در اختیار طرف دیگر یا دبیرکل سازمان ملل متحد قرار گیرد؛ چنین اطلاعاتی را باید براساس موافقت نامه های دوجانبه، در اولین فرصت منتشر کرد. در راستای شفاف سازی ماده ۷ کنوانسیون اتاوا سالیانه کشورهای عضو را ملزم می کند حداکثر ۱۸۰ روز پس از لازم الاجرا شدن معاهده و به صورت در مورد اقدامات خود در خصوص مین های ضد نفر گزارش هایی را به دبیرکل سازمان ملل متحد تحویل دهند. دبیرکل تنها گزارش های کشورهای عضو را دریافت می کند و ملزم نیست اطلاعات را به جز کشورهای عضو در اختیار دیگران قرار دهد، اگرچه بسیاری از هیأت ها تمایل دارند اطلاعاتشان در اختیار عموم باشد. همچنین دبیرکل در ارزیابی گزارش های واصله ملزم به پذیرش نظریه دولت ارائه دهنده در ارزیابی آن نیست.

۴. الزام دولت عراق به اعلام پاکسازی مناطق مین گذاری شده

یکی از علل اساسی تلفات غیرنظامیان در دهه‌های ۸۰ و ۹۰ به کارگیری مین‌ها، بدون تلاش در جهت پاکسازی آنها بود (Mathson, 1997: 158-167). از این رو پیشنهاد شد دولت‌ها در قبال به کارگیری این دسته از سلاح‌ها مسئول شناخته شوند و مسئولیت پاکسازی را نیز به عهده گیرند. این پیشنهاد مورد پذیرش قرار گرفت (ماده ۳(۲)) پروتکل دوم: بلافاصله پس از پایان درگیری‌های فعال، همه مین‌ها، تله‌های انفجاری و دیگر ابزارها، پاکسازی یا منهدم شدند و یا در صورت حفظ آنها در آن مناطق، احتیاط‌های لازم در نگهداری آنها به عمل آید و همان‌گونه که در ماده ۵(۲) آمده، منطقه مورد نظر علامت‌گذاری، حصارکشی و کنترل شود. در صورتی که یک طرف مخاصمه در منطقه‌ای از این‌گونه سلاح‌ها استفاده کند و دیگر کنترل منطقه را در دست ندارد، تا جایی که طرف کنترل‌کننده اجازه می‌دهد، همکاری‌های فنی لازم جهت ایفای تعهد نخستین ارائه کند. اعضا باید نسبت به نیل به توافق در زمینه فراهم کردن مساعدت‌های فنی و مادی در میان خود، با سایر دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی در جهت عملیات مشترک در زمینه ایفای این مسئولیت، تلاش کنند. در پیش‌نویس اولیه کنوانسیون اتاوا نیز با اعطای یک دوره زمانی پنج‌ساله به کشورها به منظور انهدام مین‌های کاشته‌شده تلاش شده بود به مصائب ناشی از این سلاح هرچه سریع‌تر پایان دهند، ولی در اجلاس متخصصان وین به این نکته اشاره شد که توانایی یک کشور برای استخراج و انهدام مین‌های ضد نفر به ظرفیت تکنیکی و تحقیقاتی آن کشور بستگی دارد و در کشورهایی که به صورت عمده با این مشکل روبه‌رو هستند، ممکن است ده‌ها سال طول بکشد (Goose, 1997: 281). در نتیجه معاهده باید به کشورهایی که تصور می‌کردند ممکن است به دلیل وجود دائمی مین‌های استخراج‌نشده خود را در معرض تخلف از معاهده ببینند، اجازه می‌داد تا بدون واهمه به آن ملحق شوند. با در نظر گرفتن نگرانی‌های مذکور، پیش‌نویس دوم، میان انهدام مین‌های واقع در میادین مین و خارج از میادین مین قائل به تفکیک شد. در مورد اول باید با توجه به استانداردهای بین‌المللی نشانه‌گذاری شوند و سپس ظرف مدت ده سال از تاریخ لازم‌الاجرا شدن معاهده، عملیات انهدام به پایان برسد، ولی در مورد دوم قاعده بر آن بود که بدون مهلت معین و در اسرع وقت مین‌ها منهدم شوند و اخطارهای فوری در مورد وجود آنها داده شود. برای برخی کشورها مدت ۱۰ ده‌ساله برای پاکسازی میادین مین واقع بینانه نبود، به‌ویژه کشورهای فقیری که به صورت بسیار گسترده با مشکل این سلاح روبه‌رو هستند، نمی‌توانستند معاهده‌ای را امضا کنند که آنها را ملزم می‌کرد در عرض ده سال به آن عمل کنند. همچنین انگلستان با اشاره به مشکلات پاکسازی میادین مین در جزایر فالکلند، پیشنهاد داد در مورد سرزمین‌هایی که از نظر اقتصادی در حاشیه هستند و خطر کمتری از جانب آنها متوجه افراد

غیرنظامی می‌شود، استثنایی به‌وجود آید (Goose, 1997: 283). این پیشنهادها با اعتراض سازمان‌های بین‌المللی روبه‌رو شد و به‌شدت با آن مخالفت کردند. از طرفی پذیرش این درخواست‌ها منوط به رأی اکثریت کشورهای عضو بود. در نتیجه با پیشنهاد صلیب سرخ جهانی مقرر شد، الزام به پاکسازی مین‌های ضدنفر واقع در میادین مین، ظرف مدت ده سال وضع شود، اما کشورهایی که زمان بیشتری نیاز دارند، می‌توانند تقاضای تمدید زمان ارائه دهند. سرانجام در مذاکرات اسلو توافق شد پیشنهاد تفکیک محل‌های مین‌گذاری شده به میادین مین و خارج از آن که در قالب دو ماده بود، با حذف دو عبارت در یک ماده به عبارت «مناطق مین‌گذاری شده»، تبدیل شود و پیشنهاد صلیب سرخ جهانی با موافقت سایر کشورها روبه‌رو شد که مدت آن را ۱۰ سال و در مورد کشورهایی که توانایی آن در مدت مزبور را نداشتند تا ۳۰ سال تمدید شد که در ماده ۵ اتاوا آمده است و به تصویب رسید. ماده مزبور اعضا را در سرزمین‌های تحت حاکمیتشان ملزم به رعایت انهدام مناطق مین‌گذاری شده می‌کند، در نتیجه در شرایطی که نیروهای شورشی قسمتی از خاک یک دولت را تصرف کرده باشند، دولت مزبور مسئولیتی در قبال آن مناطق ندارد. همچنین ماده ۵ دولت‌ها را موظف می‌کند تا مناطق مین‌گذاری شده را علامت‌گذاری و کنترل کنند و از طریق حصارکشی یا استفاده از ابزارهای دیگر از آن مناطق حفاظت کنند و حفاظت مؤثر از شهروندان را تضمین کنند تا از این طریق الزام دولت‌ها به اعلام و پاکسازی مناطق مین‌گذاری شده، تحقق یابد.

۵. الزام دولت عراق به فراهم آوردن تجهیزات، همکاری و مساعدت جهت پاکسازی مناطق مین‌گذاری شده

پروتکل اصلاحی دوم در ماده ۱۱ خود از یک سو اعضا را در خصوص اجرای مفاد تعهدات پروتکل از همکاری و مساعدت دیگر کشورها برخوردار می‌داند و برای آنکه این حق، یکطرفه باقی نماند و کشورهای برخوردار از امکانات فنی نتوانند از همکاری سرباز زنند، اعضا را متعهد ساخته است که تجهیزات، مواد و اطلاعات علمی و فنی مربوط به تحقق این پروتکل و به ویژه پاکسازی مین‌ها را در اختیار سایر اعضا قرار دهند و هیچ‌گونه محدودیتی را برای تهیه و تدارک این تجهیزات و اطلاعات تحمیل نکنند. این همکاری و مساعدت می‌تواند به‌صورت فراهم آوردن اطلاعات مورد نیاز بانک داده‌های مربوط به پاکسازی مین‌ها وابسته به سازمان ملل متحد که به‌صورت اطلاعات مربوط به مین‌های مختلف فناوری پاکسازی مین‌ها، فهرست متخصصان و غیره است و می‌تواند از طریق سیستم سازمان ملل متحد، سایر ارکان بین‌المللی یا براساس توافق‌های دوجانبه صورت پذیرد که در بند ۳ ماده ۱۱ آمده است. اما با توجه به اینکه مقررات این پروتکل تنها مربوط به زمان صلح یا دوره پس از مخاصمات مسلحانه نیست و برخی از آنها

فعالیت‌های زمان مخاصمات را نیز در برمی‌گیرد، این سؤال مطرح می‌شود که آیا این تعهد به همکاری و مساعدت در اجرای مفاد پروتکل به آنجا نیز گسترش می‌یابد که دولت یا دولت‌هایی ملزم باشند به طرفین درگیر در یک مخاصمه مسلحانه، برای مثال در رعایت استانداردهای مربوط به کار گذاشتن مین‌ها یا سایر جنگ‌افزارها، همین‌طور در استانداردهای ویژه ثبت و ضبط مشخصات و موقعیت‌های این‌گونه سلاح‌های به‌کاررفته، کمک کنند؟ و آیا اگر دولت ثالثی بر این اساس به یکی از طرفین در این خصوص یاری رساند، متهم به نقض بی‌غرضی نخواهد شد؟ همچنین آیا تعهد دولت‌های عضو غیردرگیر به فراهم آوردن مین‌هایی با تجهیزات خودانه‌دومی و خودازکاراندازی برای طرفین درگیر نیز تسری می‌یابد؟ در پاسخ باید گفت اولاً هیچ محدودیتی برای همکاری در زمان مخاصمه مسلحانه در این زمینه وجود ندارد، اما به‌نظر می‌رسد برای اینکه دولت‌های ثالث ملزم نباشند در زمان مخاصمه نیز به همکاری با دولت‌های درگیر بپردازند، بند ۶ ماده ۱۱، شرط بدون ایراد لطمه به مقررات قانون اساسی و سایر مقررات حقوقی اعضا را مطرح ساخته و در بند ۷ آن نیز تکنولوژی تسلیحاتی را مستثنا ساخته است. بنابراین دولت‌های ثالثی که تمایل ندارند در زمان مخاصمه مسلحانه به طرف یا طرفین مخاصمه در این زمینه مساعدت رسانند، می‌توانند با استناد به قوانین داخلی خود از این تعهد کلی‌شانه خالی کنند. اگرچه ورود دولت‌های ثالث در امر همکاری با دولت‌های درگیر مخاصمه در زمینه رعایت استانداردهای پروتکل دوم، در نهایت به سود دولت مقابل نیز است، چراکه اساساً این پروتکل، سند حقوقی بشردوستانه‌ای است که در جهت اعمال محدودیت به‌کارگیری مین‌ها و کم کردن خطر آنها تدوین شده است. به‌منظور پاکسازی مناطق مین‌گذاری‌شده و انهدام انبارهای ذخیره مین، مساعدت بین‌المللی نقشی ضروری ایفا می‌کند. همچنین این مشارکت سبب تضمین الحاق سایر کشورهایی که توانایی انجام این تعهدات را ندارند، می‌شود. از این‌رو ماده ۶ کنوانسیون اتاوا مقررات ویژه‌ای را در این خصوص آورده است که براساس آن دولت‌ها می‌پذیرند با دیگر اعضا در زمینه تحقق مندرجات کنوانسیون همکاری و مساعدت به‌عمل آورند. در مقررات این قسمت نه‌تنها به «حق هر دولت عضو در درخواست و دریافت مساعدت ... از سایر دولت‌های عضو» (ماده ۶ بند ۱) تأکید شده است، فراتر از آن به تعهد دولت‌های عضو در فراهم آوردن و حق مشارکت آنها در تبادل تجهیزات، مواد و اطلاعات عملی و فناوریانه مربوط به تحقق کنوانسیون (بند ۲) اشاره شده است.

۶. تأثیرات الحاق دولت ایران به معاهدات ضدمین بر الزام دولت عراق به انجام

تکالیف معاهده‌ای

ایران پروتکل دوم اصلاحی کنوانسیون برخی سلاح‌های متعارف و کنوانسیون اتاوا را امضا نکرده

و به آنها ملحق نشده است، ولی در گردهمایی‌های دیپلماتیک مربوط به روند اتاوا و گفت‌وگوهای اسلو شرکت کرده و در مراسم امضای کنوانسیون اتاوا به‌عنوان ناظر حضور داشته است (landmine Monitor, 1999: 883-886). اگرچه ایران، عضویت کنوانسیون‌های مذکور را نپذیرفته، ولی طرفداری از خلع سلاح عمومی، به‌خصوص سلاح‌های کشتار جمعی را همواره سرلوحه سیاست خارجی قرار داده است. در خصوص تحریم کلی مین ضدنفر نیز احتمالاً چنانچه به‌طور جهانشمول اعمال شود و همه کشورهای به آن تن در دهند، ایران نیز به‌طور جدی موضوع را بررسی خواهد کرد (نوع‌پرست، ۱۳۷۹: ۷۹۳-۷۹۲). اما الحاق دولت ایران به معاهدات مذکور، در الزام دولت عراق به انجام تعهداتش برابر متن آنها بسیار تأثیرگذار خواهد بود، چراکه از یک طرف براساس بندهای ۱ و ۳ ماده ۱۳ پروتکل دوم، دولت‌های عضو به‌منظور مشاوره و همکاری در زمینه مسائل مربوط به پروتکل، اقدام به تشکیل کنفرانس سالانه می‌کنند و براساس بند ۴ همین ماده، دولت‌های عضو موظفاند سالانه گزارش‌های مکتوبی در خصوص انجام اقداماتی مانند انتشار اطلاعات مربوط به پروتکل برای نیروهای مسلح و جمعیت غیرنظامی، برنامه‌های پاکسازی مین و توانبخشی و قانونگذاری در خصوص پروتکل به مقام امین ارسال کنند و وی نیز گزارش‌ها را برای دولت‌ها ارسال دارد، براساس بندهای ۱ و ۲ ماده ۱۴، اعضای پروتکل موظفاند به‌منظور جلوگیری و سرکوب تخلفات احتمالی و همچنین مجازات متخلفان، اقدامات لازم از جمله قانونگذاری داخلی و تحمیل ضمانت اجرای کیفری را به‌عمل آورند، براساس بند ۳ همین ماده، اعضا متعهد به ترویج و انتشار دستورالعمل‌های نظامی مربوط به پروتکل و روش‌های عمل آنان و همچنین آموزش نیروهای نظامی متناسب با وظایف و مسئولیت‌های آنان در مقابل پروتکل هستند و هریک از اعضا مستنداً به بند ۴ به‌عنوان بند پایانی پروتکل و ماده ۱۴ متعهد به مشورت در زمینه تفسیر پروتکل از طریق دبیرکل سازمان ملل متحد یا سایر تشریفات بین‌المللی هستند. از طرف دیگر، در ماده ۸ کنوانسیون اتاوا یک سیستم چندمرحله‌ای به‌منظور اخذ توضیح از یک دولت پیش‌بینی شده که در بند ۲ آمده است اگر یک یا چند دولت در زمینه مشکلات مربوط به رعایت مقررات کنوانسیون از سوی دولت دیگری، خواهان توضیح و همکاری آن دولت باشند، می‌توانند از طریق دبیرکل سازمان ملل متحد برای آن دولت تقاضای توضیح آن مسئله را ارسال دارند. دولت مورد تقاضا باید ظرف مدت ۲۸ روز اطلاعات درخواستی دولت یا دولت‌های درخواست‌کننده را از طریق دبیرکل ارسال دارد. در مرحله بعدی مطابق بند ۳ همین ماده، در صورتی که ظرف ۲۸ روز دولت یا دولت‌های عضو هیچ پاسخی را دریافت نکنند، می‌توانند از طریق دبیرکل موضوع را به اجلاس دولت‌های عضو ارجاع دهند که در این خصوص درخواست تشکیل جلسه ویژه خواهد شد. همچنین ماده ۸ مقرراتی را در خصوص اعزام کمیته حقیقت‌یاب متشکل از تیم متخصصان که توسط دبیرکل تعیین می‌شوند، پیش‌بینی کرده است. این ماده امکان اعزام کمیسیون

حقیقت‌یاب به منطقه موردنظر و لزوم ایجاد تسهیلات برای انجام مأموریت این کمیسیون از سوی دولت یا دولت‌های مورد تقاضا، ارائه اطلاعات جمع‌آوری‌شده کمیسیون به اجلاس دولت‌های عضو از طریق دبیرکل، بررسی این اطلاعات در اجلاس دولت‌ها، اخذ تصمیم اجلاس در توصیه به دولت مورد تقاضا در جهت رعایت تعهدات، امکان پیشنهاد اجلاس در مورد راه‌ها و ابزارهایی برای توضیح بیشتر یا فیصله موضوع مطابق با حقوق بین‌الملل را مطرح کرده است (Goose, 1998: 285). نکته درخور توجه، پیش‌بینی توصیه اجلاس دولت‌های عضو در به‌کارگیری راه‌ها و ابزارهایی برای فیصله موضوع مطابق مقررات حقوق بین‌الملل است و منظور از مقررات حقوق بین‌الملل در این ماده، اشاره به راه‌حل‌های مسالمت‌آمیز حل اختلافات بین‌المللی است که ابزارهایی مانند مذاکره، سازش، تحقیق، داوری و قضاوت بین‌المللی را در برمی‌گیرد. اما با توجه به اینکه همین کنوانسیون در ماده ۱۰ خود امکان بروز اختلاف اعضا در خصوص اجرا یا تفسیر کنوانسیون و برخی راه‌حل‌های احتمالی این اختلاف را مطرح ساخته است، که آن ابزارها و راهکارهای موردنظر ماده ۸ با راه‌حل‌های ماده ۱۰ متفاوت است، به‌علاوه راه‌حلی چون مساعی جمیله، مذاکره، سازش، تحقیق و حتی احتمالاً نوعی از داوری قبلاً در همان اجلاس دولت‌های عضو به‌عمل می‌آید و پس از آن اجلاس تصمیم می‌گیرد به دولت‌های ذی‌نفع راه‌حل‌های دیگری توصیه کند. به هر حال به‌نظر می‌رسد امکان توصیه به توافق دوجانبه یا حتی ارجاع امر به دیوان بین‌المللی دادگستری از مصادیق موردنظر این ماده باشند. یکی از مهم‌ترین تمهیدات کنوانسیون اتاوا در ماده ۹ گنجانده شده است که به موجب آن دولت‌های عضو متعهد شده‌اند اقدامات مناسب حقوقی، اداری و وضع ضمانت اجرایی کیفری را برای بازداشت و سرکوب هرگونه فعالیت ممنوع از سوی اشخاص و سرزمین تحت صلاحیت یا تحت کنترل دولت‌ها انجام دهند. عبارت مهم این ماده «مجازات‌های کیفری» است. جمله‌بندی به‌کاررفته در این ماده شبیه ماده ۷ کنوانسیون سلاح‌های شیمیایی و ماده ۳ معاهده منع آزمایش‌های جامع است. تفاوت مهم این دو کنوانسیون با کنوانسیون اتاوا این است که در آنها اختیارات قضایی فرامرزی وجود دارد و کشورها می‌توانند شهروندانی را که کنوانسیون را نقض کرده‌اند، در هر جای دنیا دستگیر و مجازات کنند.

نتیجه‌گیری

ایران دومین کشور آلوده به مین در جهان است، با وجود پاکسازی‌های صورت‌گرفته هنوز مین‌هایی در دل خاک باقی مانده است و از میان شهروندان عادی قربانی می‌گیرد. حدود ۳۰ سال از پایان جنگ می‌گذرد، اما همچنان گاهی اخباری را می‌شنویم که مین جان هم‌وطنی را گرفته است. نامعلوم بودن محل کاشت مین‌ها به‌دلیل عهدشکنی دولت‌های عراق در تحویل

نقشه مین های کاشته شده در ایران و ناکافی بودن تجهیزات پاکسازی، از مهم ترین دلایل کند شدن عملیات پاکسازی است. الحاق و پذیرفتن عهدنامه ها و کنوانسیون های منع استفاده و به کارگیری مین از جانب دولت عراق هیچ شکی در الزام آور بودن آن معاهدات از لحاظ حقوقی برای دولت عراق و وجود راه های الزام عراق جهت اجرای این معاهدات باقی نمی گذارد، اما مشکل اصلی عدم الحاق دولت ایران به این معاهدات ضدمین است.^۱ استدلال کشورهای غیرعضو از جمله ایران دفاعی بودن این سلاح است. آنها معتقدند که از این سلاح برای متوقف کردن، محدود کردن و هدایت کردن^۲ حرکت دشمن و حفاظت از مرزها استفاده می شود. این دسته از کشورها همچنین از محروم شدن از توان رزمی خود در مقابله با تهدیدات خارجی ابراز نگرانی می کنند. اما تجربه جنگ های اخیر نشان می دهد وضعیت نبردهای کلاسیک کاملاً تغییر شکل داده است. این نبردها مبتنی بر حملات هوایی، تهاجم زرهی و عملیات متحرک هوایی (هلی برن) است. جنگ های دوگانه متفقین غربی با صدام حسین و سرعت عمل یگان های غربی در نابودی ارتش عراق نمونه آشکاری از نبردهای نوین است. در این جنگ ها میادین وسیع مین کار گذاشته شده توسط ارتش عراق هیچ گونه اختلالی در پیشروی سریع یگان های متفقین به سمت بغداد و سرنگونی نظام صدام ایجاد نکرد. بنابراین تغییر شیوه نبرد، کارایی مین های ضد نفر زمینی را به عنوان یک سلاح دفاعی به شدت کاهش داده است. همچنین به منظور حفاظت از مرزها می توان از راه های جایگزین همانند حصارهای برقی، دیوارکشی، احداث کانال، پهنپاد و ... استفاده کرد. به هر صورت آنچه ضرورت فوری دارد، امر پاکسازی میادین مین است

۱. البته عدم عضویت ایران به معنای محرومیت مطلق از حقوق و تکالیف این معاهدات نیست، چراکه این معاهدات بخشی از عکس العمل بین المللی به درد و رنج شدید ناشی از مین های ضد نفر است. اساس این معاهدات بر مقررات عرفی حقوق بین الملل بشردوستانه که تمامی دول جهان مکلف به رعایت آن هستند، قرار دارد (ملک زاده، ۱۳۸۷: ۱۱۶). گفتنی است که اولین بار کنوانسیون اتاوا توجهی خاص به مسئله حمایت از قربانیان کاربرد تسلیحات ممنوع شده داشت. در بند ۳ ماده ۶، این کنوانسیون رهیافت مبتنی بر ظرفیت را به کار گرفت و اعلام کرد هر دولتی که موقعیت و ظرفیت این کار را داشته باشد، باید کمک های خود را در زمینه مراقبت و توانبخشی و ادغام مجدد اقتصادی و اجتماعی قربانیان مین ارائه کند. طبق ماده هر دولتی که توان کمک داشته باشد، باید به دولت متبوع قربانی در حوزه های اشاره شده یاری دهد. تعهدی که شاید به نتیجه نباشد، ولی قطعاً برای آن دسته از اعضای جامعه بین الملل که توان و ظرفیت لازم را دارند، تعهدی به وسیله محسوب می شود (عسکری، ۱۳۹۵: ۹۶۶). از این نکته نباید غافل ماند که وفق ماده ۱ مشترک کنوانسیون های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹ همه دولت ها متعهد به مراعات و تضمین مراعات موازین حقوق بین الملل بشردوستانه و از جمله جبران خسارت قربانیان مخاصمات مسلحانه اند که در مواد کنوانسیون های چهارگانه و پروتکل های الحاقی مذکور افتاده است. بنابراین اگر این تعهد از سوی مخاطب خاص آن، یعنی دولت یا گروه مسبب خسارت، جبران نشود، همواره تعهد به مراعات حقوق بین الملل بشردوستانه برای سایر اعضای جامعه بین المللی پابرجا باقی می ماند (عسکری، ۱۳۹۵: ۹۷۳).

که به همکاری بین‌المللی نیاز دارد، اما اعمال تحریم‌های اقتصادی تحمیلی و قهرآمیز به‌مثابه یکی از اشکال نقض جوانب مختلفی از حقوق بشر، سبب ورود خسارت و تأثیر مضاعفی بر مردم ایران شده است، به‌نحوی که نتایج حاصل از این تحریم‌ها بی‌شبهت به استفاده از ابزارهای جنگی و مسلحانه نیست. در همین زمینه سازمان‌های بین‌المللی مدعی حقوق بشر و حقوق بشردوستانه به همه کشورهای دارای اراضی آلوده به مین و مهمات عمل‌نکرده، کمک‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری از جمله ماشین‌آلات پاکسازی مکانیزه، تجهیزات حفاظت فردی مانند جلیقه‌های ضدترکش، محافظ صورت ضدترکش و پوتین‌های ضدانفجار، تجهیزات پزشکی، نرم‌افزار مدیریت اطلاعات عملیات مین و کمک‌های نقدی و غیرنقدی دیگر دارند، در این عرصه ایران به‌دلیل اینکه در معرض تحریم‌های غیرمنصفانه و ظالمانه حتی در امور بشردوستانه‌ای همچون مین‌زدایی از سوی غرب قرار دارد، سازمان‌های مذکور از اعطای کوچک‌ترین کمک‌ها به کشورمان دریغ می‌کنند. سرویس اقدام علیه مین سازمان ملل که تمامی فعالیت‌های مربوط به آلودگی تسلیحاتی در دنیا را برنامه‌ریزی و بودجه‌ریزی می‌کند، تاکنون هیچ کمکی به ایران نکرده است، درحالی‌که کشورهای همسایه ما مانند افغانستان و عراق، در طول چندین سال گذشته صدها میلیون دلار کمک نقدی و تجهیزاتی دریافت کرده‌اند. از این رو این تحریم‌ها مغایر روح حقوق بشر است و از زوایای مختلف، شهروندان عادی کشور را در معرض درد و رنجی قرار داده است که خود به مجازات جمعی منجر می‌شود. به هر تقدیر روند جهانی شدن و اوضاع بین‌المللی، موضوع تحریم کلی مین ضدنفر را به‌صورت یک جریان برگشت‌ناپذیر درآورده است که پیوسته توسط دولت‌های عضو این معاهدات و صدها سازمان غیردولتی فعال مطرح می‌شود. شرایط جهانی به‌صورتی است که حتی دولت‌های غیرعضو خود را ناگزیر از ارائه برنامه‌هایی مبتنی بر: ۱. مخالفت اصولی با استفاده از مین به‌خصوص برای مقاصد تهاجمی و غیردفاعی؛ ۲. توقف هرگونه صادرات و انتقال مین؛ ۳. پاکسازی مناطق مسکونی آلوده و در نهایت کمک مؤثر برای جلوگیری از تصادم افراد عادی با مین و به‌کارگیری تمهیداتی جهت توانبخشی جسمی و روحی مصدومان و همکاری‌های بین‌المللی در این زمینه می‌دانند و آن دسته از کشورهایایی که به آن بی‌توجهی نشان دهند، پیوسته مورد ایراد و در مظان اتهام خواهند بود.

منابع

۱. فارسی

الف) کتاب‌ها

۱. پارسادوست، منوچهر، (۱۳۷۱)، نقش سازمان ملل در جنگ عراق و ایران، تهران: شرکت سهامی انتشار.

۲. دوسوالدبک، لوییس؛ هنکرتز، ژان ماری (۱۳۹۱)، *حقوق بین‌المللی بشردوستانه عرفی*، جلد اول، قواعد، ترجمه دفتر امور بین‌الملل قوه قضائیه و کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، تهران: مجد.
۳. ضیائی بیگدلی، محمدرضا (۱۳۸۳)، *حقوق معاهدات بین‌المللی*، تهران: کتابخانه گنج دانش.
- گرین‌وود، کریستوفر (۱۳۸۷)، *حقوق بشردوستانه در مخاصمات مسلحانه*، ویراسته دیتر فلک، به اهتمام: سید قاسم زمانی و نادر ساعد، تهران: شهر دانش.
۴. هیوم، کامرون (۱۳۷۶)، *سازمان ملل متحد، ایران و عراق*، ترجمه هوشنگ راسخی عزمی ثابت. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

ب) مقالات

۵. زمانی، سید قاسم، (۱۳۷۶)، «تأملی بر مواضع شورای امنیت در برابر تجاوز عراق به ایران و کویت»، *فصلنامه سیاست دفاعی*، ش ۲۰ و ۲۱.
۶. زمانی، سید قاسم؛ پیری، حیدر (۱۳۹۱)، «کارکرد منافع حیاتی در حوزه‌های انسانی حقوق بین‌الملل: حقوق بشردوستانه»، *مجله حقوقی دادگستری*، پاییز، ش ۷۹.
۷. سیاه‌رستمی، هاجره (۱۳۸۳)، «محاكمة صدام حسین و تحلیل مواضع جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه مطالعات بین‌المللی*، ش ۳.
۸. شریفی طراز کوهی، حسین؛ ساعد، نادر (۱۳۷۲)، «ارزیابی تحلیل تهاجم به عراق از منظر حقوق بین‌الملل»، *مجله راهبرد دفاعی*، تهران: تابستان، پیش‌شماره اول.
۹. شهبازی، آرامش (۱۳۸۷)، «چالش مفهوم رزمنده در حقوق بشردوستانه بین‌المللی در عصر مبارزه با تروریسم»، *مجله پژوهش‌های حقوقی*، تهران: شهر دانش، پاییز و زمستان، ش ۱۴.
۱۰. عسکری، پوریا (۱۳۹۵)، «عدالت پس از جنگ و مسئولیت حمایت از قربانیان مخاصمات مسلحانه»، *فصلنامه مطالعات حقوق عمومی*، تهران، زمستان، ش ۴.
۱۱. گلی، علی (۱۳۸۹)، «سیستم اطلاعات جغرافیایی وقایع مین (MAGIS)، ابزار مدیریتی در تسهیل و تسریع روند پاکسازی مناطق آلوده به مین»، *مجموعه مقالات چهارمین کنگره بین‌المللی جغرافیدانان جهان اسلام*.
۱۲. لسانی، سید حسام‌الدین (۱۳۹۵)، «تعهد دولت‌ها به بازبینی حقوقی تسلیحات جدید در حقوق بین‌الملل»، *فصلنامه مطالعات حقوق عمومی*، بهار، دوره ۴۶، ش ۱.
۱۳. ملک‌زاده، سعید (۱۳۸۶)، «راهبرد جمهوری اسلامی ایران در خصوص تقویت حقوق مخاصمات مسلحانه بین‌المللی»، *فصلنامه مطالعات دفاعی استراتژیک*، زمستان و بهار، سال نهم، ش ۳۱ و ۳۲.
۱۴. نوع‌پرست، زهرا (۱۳۷۹)، «مین‌های ضدنفر با نگرشی بر مشکلات فراروی جمهوری اسلامی ایران»، *سیاست خارجی*، پاییز، دوره چهاردهم، ش ۳.

٢. انگلیسی

A) Books

1. Boisson, Laurence, Sands, Philippe. (1999). *International Law, International Court of Justice and Nuclear Weapons*, Cambridge University Press.
2. Brownlie, Ian. (1998). *Principles of Public International Law*, Oxford, Clarendon Press, 1998.
3. Cahill, Kevin M. (1995). *Clearing the Fields: Solution to the Global Land Mines Crisis*, New York: Basic Books and council on foreign Relations.
4. Goose, Stephen D. (1998). *The Ottawa process and the 1997 mine Ban Treaty*, in: Year book of international Humanitarian Law Vol. 1.
5. Green, Leslie C. (2008). *The Contemporary Law of Armed Conflict*, New York: Juris Publishing, Inc.
6. International Campaign to Ban Landmines, *Landmine monitors Report*. (1999). Yearbook of International Campaign to Ban Landmines, Washington.
7. UK Ministry of Defence. (2004). *the Manual of the Law of Armed Conflict*. Oxford University Press.

B) Articles

8. Alexander R. J. Murray, (2011), "The Use of Combat Drones in Current Conflicts- A Legal Issue or a Political Problem?" *Gottingen Journal of International Law*, Vol. 3, No. 3.
9. Kretzmer, David, (2005), "The Advisory Opinion: The Light Treatment of International Humanitarian Law", *American Journal of International Law*, Vol. 99, No. 1.
10. Lesani, Seyed Hesamaldin (2016), "Obligations of states to legal assessment of new weapons in international law", *Public Law Studies Quarterly*, Vol. 46, Issue 1, Spring.
11. Matheson J. Michael, (1997), "The Revision of the Mine Protocol", *American journal of International Law*, Vol. 91 No. 1.
12. Roberts, Adam, (2000), "Humanitarian Issues and Agencies as Triggers for International Military Action", *International Review of the Red Cross*, Vol, 82 No, 839.
13. Sachadev, A.K, (1999), "Surface to Surface Missiles and International Law", *Journal Strategic Analysis*, June, Vol. 23, Issue 3.

C) Cases and Document

14. ICJ Reports. (1949). Corfu Channel Case, Judgment of April 9.
15. ICJ Reports. (1986). Military and Paramilitary Activities in and against Nicaragua (Nicaragua v. United States of America), Merits Judgment.
16. ICRC Report. (1997). "Review conference of the 1980 Convention", international Review of the Red Cross (ICRC), April, No, 317.
17. PCIJ Reports, (1924). Mavrommatis Palestine Concessions, Judgment 1924

Series A.

18. United Nations, Mine action and effective coordination: the United Nations policy. Sectoral policy: information management for mine action, Report of the Secretary-General, Addendum 2, UN Doc. A/56/448/Add.2 of 17 October 2001.

D) Internet Resources

19. Nafissi, Nahid. (2005). *Information about Landmine Explosion Victims*, provided to Landmine Monitor by IMC, Tehran, 25 August; Retrieved September 1, 2017 from www.landmieiran.org.
20. www.article.tebyan.net.
21. www.tarikhirani.ir.